

انگیزه‌ها دوام نمی‌یابند و به سوی زوال تمایل می‌کنند. کارآمدی نظام آموزشی حوزه‌ها از یک سو بسته به متون آموزشی آن است که در حال حاضر طلبه نسبتی بین خود و جهانی که در آن زندگی می‌کند و بین متون آموزشی احساس نمی‌کند. و هم‌بگونه‌ای باشد که یک طلبه بعد از اتمام سطح یا خارج، دین راطوری به زبان بیاورد که با عقل و زبان مردم هماهنگی داشته و قابل فهم باشد.

\*\*\*

### ○ محمدرضا ذاکری

۱. نوع ورودی‌های به حوزه علمیه با فطرت و انگیزه پاک اسلام‌خواهی و شناخت عمیق مکتب و تبلیغ و هدایت امت اسلام وارد حوزه می‌شوند، لذا شایسته و بایسته است که این استعدادها کشف و شکوفا و از سرمایه جوانی آنان حداکثر استفاده در جهت رشد علمی و اخلاقی آنان صورت گیرد.

۲. برای تحقق هدف فوق، برنامه‌ریزی، مدیریت صحیح آموزشی، تشویق و گسترش امکانات آموزشی و تحقیقی از شرایط لازم است.

۳. ارتباط مستمر اساتید عظام و مسؤولین محترم حوزه و مدارس با طلاب و توجه بیشتر به پیشنهادات، نظرات و نیازهای علمی و معیشتی آنان از شرایط رشد و شکوفایی حوزه است.

۴. توجه به گرایشها و تخصصی کردن برخی از رشته‌ها پس از آموزشهای عمومی و تقویت محققین در رشته‌های لازم.

۵. توجه بیشتر به شرایط و هزینه‌های زندگی طلاب متأهل و عائله‌مند و حل مشکلات مسکن و ایجاد نوعی تعادل.

۶. و نکته پایانی این تذکرات، تأکید بر کلاسهای سازنده اخلاقی در سطوح مختلف و تقویت روحیه عزت و غیرت دینی و بینش صحیح اجتماعی و درک معضلات و ارائه راه حل‌های معقول و منطقی در پرتو ارشادات امام راحل و مقام رهبری انقلاب اسلامی و اساتید بزرگوار حوزه علمیه.

\*\*\*

### ○ [...]

۱. از آن جا که شرط مقدم تبلیغ و پرداختن به دیگران، خودسازی و توجه به خودمی باشد، اهمیت دادن حوزه به بنیة علمی و اخلاقی حوزویان و ایجاد و تقویت

## انتظار از حوزه

# در نظر خواهی از حوزویان

○ [...] من این پرسش را «که انتظارتان از حوزه چیست» اینگونه پاسخ می‌دهم: هیچ! هیچ! البته این هیچ را به این اعتبار می‌گویم که سردمداران مدیریتی و اجرایی، هیچ انتظاری را به رسمیت نمی‌شناسند. و اگر به جایی برنخوردمی گویم انتظار با مارک پاسخ می‌دهند. شاهد مدعا هم...

وقتی هر کس خود معیاری شود و سلیقه خود را نص شرع و قانون می‌داند و بر اساس آن حکم می‌دهد و اجرا می‌کنند می‌شود چیزی تقاضا کرد.

وقتی که خدمتگزاران در پاسخ با ارباب رجوع، در جایگاه ارباب قرار می‌گیرند، رعب می‌آفرینند و به افراد به دیدرعبیت می‌نگرند، نمی‌شود از آنها انتظاری داشت! پس اینکه پرسش شما را با هیچ پاسخ می‌دهم، پر بیراه نیست.

\*\*\*

### ○ سید جواد اردبیلی

انتظار از حوزه در اصلی‌ترین صورت آن شاید این باشد که متوقع باشیم یک سیستم آموزشی مناسب و کارآمد در حوزه پدید آید. و این نقیصه که خیل عظیمی از طلاب در درس خارج و سطح آمدوشد دارند و در عمل آنچه بایسته است بدست نمی‌آید، برطرف گردد. درست است که دانش پژوه خودنیز سهمی در پیشرفت آموزشی دارد و انگیزه او نیز از پیش شرطهای موفقیت اوست ولی می‌دانیم که در جریان یک سیستم ناکارآمد

## گزارش

● انتظار از حوزه در اصلی‌ترین صورت آن شاید این باشد که متوقع باشیم یک سیستم آموزشی مناسب و کارآمد در حوزه پدید آید. و این نقیصه که خیل عظیمی از طلاب در درس خارج و سطح آمدوشد دارند و در عمل آنچه بایسته است بدست نمی‌آید، برطرف گردد.

انگیزه‌های قوی برای بردوش کشیدن این رسالت‌امری بدیهی می‌نماید.

امام‌تأسفانه آنچه که امروزه مشاهده می‌شود تپه بودن طلاب از انگیزه و عدم داشتن بینش صحیح و کاملی از این رسالت بزرگ و آگاهی نداشتن از لوازم و شرایط آن می‌باشد.

۲. با توجه به وقوع پر برکت انقلاب و ایجاد حکومت دینی، روز آمد و کار بردی کردن دین ضروری شده است. پیشرفت علوم به ویژه علوم انسانی و پیدایش مکاتب فلسفی سکولاریستی و اومانیستی مسایل و سوالات جدیدی را مطرح ساخته است که مروجان دین می‌بایست ضمن آگاهی کامل از این علوم و مسایل، ضمن عرضه معارف اسلامی به شیوه‌ای نو در قالب جدید پاسخگوی سوالات و شبهات باشند.

۳. از لوازم نکته دوم که بسیار حائز اهمیت است تخصصی شدن حوزه و ایجاد رشته‌های متعدد علوم اسلامی و علوم انسانی است، بنابراین فقه و اصول نمی‌تواند و نباید تنها رشته‌های درسی حوزه باشد.

۴. از مسایل اساسی و بسیار مهم توجه و عنایت ویژه حوزه به امر پژوهش و تحقیق است. روشن و میرهن است که یکی از عوامل مهم عقب ماندن حوزه از رشد سریع علوم، غفلت از این مهم بوده است. بدیهی است که این نکته شرایط و امکانات ویژه‌ای را می‌طلبد که باید هر چه سریع‌تر در صدد تمهید آن برآمد.

۵. گرچه از افتخارات حوزه و حوزویان پرهیز از دنیا و مسایل مادی بوده است اما واقعیت این است که دغدغه خاطر و دل مشغولی آنها برای رفع حداقل نیازهای معیشتی از توان روحی و فکری آنها می‌کاهد لذا تأمین نیازهای ضروری زندگی طلاب می‌تواند تمام انرژی آنان را در راستای پیشبرد اهداف حوزه قرار دهد.

\*\*\*

### [...] ۱۰

معنویت و اخلاق، علم و معرفت، از اجزاء جدا ناشدنی حوزه‌های علمیه شیعی است. امروزه به نظر می‌رسد که بسیار ضروری و حیاتی است تا مسؤولان و ارکان حوزه در جهت احیاء، رشد، تقویت و باروری این امور ارزشی گام‌های عملی بردارند.

متأسفانه درس اخلاق و سیر و سلوک آنچنان که شایسته و بایسته حوزه است و به صورت پیوسته و مداوم،

کمتر در حوزه‌ها به چشم می‌خورد با اینکه می‌دانیم تسخیر قلبها و نفوذ در دل‌های مردم و هدایت آنان قبل از آنکه از راه علم و دانش‌های اصطلاحی صورت گیرد از راه اخلاق حسنه، منش و روش نبوی بسیار کارا تر و موثرتر خواهد بود.

طالب علمی که مردم به اودیده وارث پیامبر و ائمه معصومین (علیهم‌السلام) و ادامه دهنده راه ایشان می‌نگرند امروزه چه بهره‌ای از سیره حسنه و سلوک فردی و اجتماعی رهبران خویش برده است و چه صیغه‌ای از اخلاق مرضیه و الهی معصومین (علیهم‌السلام) به خود گرفته است؟

مسؤولین حوزه در این راه چه تدابیری اندیشیدند؟ وقتی که رسول مکرم (ص) به جبرئیل می‌فرماید: عظمی، بقیه، حسابشان روشن است و نباید هیچ کس احساس بی‌نیازی از این امر کند. اگر طلبه‌ای در زمینه اخلاق و خودسازی ضعیف باشد، ضررش برای حوزه و اسلام بیشتر از نفعش می‌باشد و هر چه علمش بیشتر، زیانش فزون‌تر می‌گردد که: چو دزدی با چراغ آید گزیده‌تر برد کالا.

در اینجا از اساتید بزرگوار و اساطین حوزه تقاضا دارم که فکری در این زمینه نمایند و آنها را که توان این کار را دارند شانه خالی نکنند. با یها دادن و حفظ ارزش و احترام اساتید بزرگوار و کمک گرفتن از آنان می‌توان گام‌های موثرتری در این زمینه برداشت.

\*\*\*

از مسؤولان انتظار دارم که با عنایت به موقعیت‌های خاص زمانی و اهمیت حوزه در شکل دادن به مرکزیت جهانی اسلام، ویژگیهای علمی، سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، تبلیغی جهان را مد نظر داشته و برنامه‌ریزی لازم را در جهت رسیدن اهداف مقدس فرهنگی انجام دهند. تا آن‌شاه‌الله کاستی‌ها بی که احیاناً مولود شرایط زمانی خاص است و مانع پیشرفت راه حوزه به شمار می‌آید از میان برود و جایگاه حقیقی حوزه برای مردم روشن گردد.

به هر حال در موقعیت فعلی به سختی می‌توان گفت با توجه به امکانات موجود بتوانیم در مقابل فرهنگ مهاجم غرب چنانکه شایسته دین و تمدن ماست برخورد مناسبی داشته باشیم.

باید قبول کرد که زمان ما با گذشته تفاوت زیاد دارد،

● گرچه از افتخارات حوزه و حوزویان پرهیز از دنیا و مسایل مادی بوده است اما واقعیت این است که دغدغه خاطر و دل مشغولی آنها برای رفع حداقل نیازهای معیشتی از توان روحی و فکری آنها می‌کاهد

● با توجه به وقوع پر برکت انقلاب و ایجاد حکومت دینی، روز آمد و کار بردی کردن دین ضروری شده است. پیشرفت علوم به ویژه علوم انسانی

و پیدایش مکاتب فلسفی سکولاریستی و اومانیستی مسایل و سوالات جدیدی را مطرح ساخته است که مروجان دین می‌بایست ضمن آگاهی کامل از این علوم و مسایل، ضمن عرضه معارف اسلامی به شیوه‌ای نو و در قالب جدید، پاسخگوی سوالات و شبهات باشند.

● بر حوزه‌های علمی است که به استقبال شبهه‌ها بروند. نقطه ضعف‌های تفکر دینی و برداشت‌های از دین را بشناسند، ایرادها، تردیدها، نقدها و کاستی‌ها را به درستی باز شناسند و بررسی کنند و پاسخ قانع کننده و منصفانه‌ای بدهند.

● با برنامه‌های سنجیده آموزشی و متون دقیق و کارآمد در هر بعدی که امروزه نیاز علمی و فکری به شمار می‌آید دانشورانی پرمایه و گرانسنگ تحویل جامعه دهند و همانند گذشته که حوزه‌های علمی و علمای دینی صاحبان شایسته دانش دینی بوده‌اند اکنون نیز چنین انتظاری از حوزه می‌رود. این همه، می‌طلبد تا نسبت به بسترهای فعالیت حوزویان همت بیشتر شود.

ارتباطها سریع است و دانشها بزودی به همه جا می‌رسد، جنبه‌های کاربردی اکثریت را در بحث و جدل توانا می‌کند و با این شرایط نمی‌توانیم ابعاد علمی، فرهنگی، تبلیغی و معنوی خودمان را در دنیا آنچنانکه می‌خواهیم بگسترانیم و جاذبه‌های لازم را برای پذیرش آنها ایجاد کنیم. بدیهی است برنامه‌ریزی صحیح خواهد توانست اولاً از به هدر رفتن نیروهای علمی مستعد جلوگیری کند. ثانیاً اقتدار حوزه را چون گذشته بازگرداند و خلأهای روانی و اخلاقی و مذهبی را که در جامعه کم نیست پر نماید، طبیعی است در چنین صورتی مردم کمافی السابق این مکان مقدس را در همه شرایط تنها ملجأ و پناهگاه خود خواهد داشت. به امید آن روز.

\*\*\*

○ [...]

۱. باید حوزه از مدیریتی قوی بهره‌مند باشد، مدیریتی که برای آن وقت بگذارد نه اینکه وقت اضافه و سوخته خود را در اختیار حوزه قرار دهد.  
۲. باید اولویتها را در مسایل آموزشی حوزه در نظر گرفت و اساتید برجسته و کارآمد برای آن قرار داد مثلاً یکی از کمبودهای مهم، کلاسهای اخلاق با اساتید کاملاً متخلق به اخلاق الهی می‌باشد.  
۳. امکانات و تسهیلات برای حوزوی باید به گونه فراهم باشد که دغدغه‌های نداشته و کاملاً با فکری راحت به تحصیل و تدریس و... بپردازد.

\*\*\*

○ [...]

اولاً: با کتبی متین و استدلالی و مورد نیاز، طلاب را پرورانند.  
ثانیاً: نیازهای جوامع شیعی را به طور تجربی به طلاب بنمایانند.  
ثالثاً: روحیه تحقیق و جستجوگری را در بین طلاب رواج دهند.  
رابعاً: نیازهای مادی آنان را برطرف نمایند.  
و در رأس همه امور هدف طلاب را در عمل به آنان ارائه نمایند.

\*\*\*

○ حسینی

از حوزه انتظار می‌رود در نخستین گام تلاش جدی در راستای اصلاح متون آموزشی به عمل آورده و آغاز و

انجام کاروانگیزه‌ها و اهداف مورد نظر را به روشنی مشخص سازد. وضعیت اسفبار امتحانات درس خارج را تغییر دهد، و با ارائه موضوعات مختلف در زمینه‌های گوناگون و مشکلات موجود و مطرح در جامعه عنوانهای قابل بررسی را به افراد برای پژوهش و رساله نویسی پیشنهاد کند، تا هرکس بتواند بر اساس مطالعات و آگاهی‌ها و دغدغه‌های خاطرش تحقیق لازم را در این زمینه انجام دهد و حوزه از حالت رکود و خمودگی فعلی به سوی بالندگی و شکوفایی پیش رود. و در صورت پذیرش رساله از سوی صاحب نظران (هیأت بررسی کننده) فرد از شرکت در امتحان معاف گردد.

انتظار دیگر این است که افرادی که فرهیختگی بایسته‌تر دارند در امور برنامه‌ریزی حوزه به کار گرفته شوند. به گونه‌ای که کانال ورود طلبه به حوزه و گزینشها در آن آینده نگرانه و واقع‌گرایانه‌تر شود، و با فراهم سازی امکانات لازم معیشتی و معنوی و آموزشی انسانهای نخبه به حوزه گرایش یابند و این میراث کهن را که همواره نخبگان وادی علم و عمل آن را زنده نگاه داشته‌اند، نابخردانه از دست نرود و با افت سطح اطلاعات علمی به نابودی نگراید. از سویی بر حوزه است که وضعیت شهریه به طلاب را معقول سازد و از همین پراکندگی در پرداخت شهریه توسط مراجع مختلف جلوگیری کند و به نحوی این مشکل را حل کند. حل مشکلات مسکن طلاب نیز از فوریتهاست که برای طلاب بسیار ضروری است.

\*\*\*

○ [...]

۱. تدوین صحیح دروس آموزش حوزه.  
۲. جذب نیروهای مخلص و متعهد.  
۳. تجدید نظر در متون درسی و هماهنگ ساختن سطوح دوره‌ای دروس حوزه.  
۴. شفافیت کارکردهای حوزه در دوده بعد از انقلاب.  
۵. حوزویان از حوزه انتظار دارند تا در جهت تأمین و معیشت آنها گام برداشته شود.  
۶. و نیز انتظار برخورد صحیح و بهتر و بهادادن را نسبت به اساتید محترم حوزه را دارند.

\*\*\*

○ [...]

۱. پرورش دانشوران توانا  
باینراه‌های سنجیده آموزشی و متون دقیق و کارآمد



در هر بعدی که امروزه نیاز علمی و فکری به شمار می آید دانشورانی پرمایه و گرانسنگ تحویل جامعه دهند و همانند گذشته که حوزه های علمیه و علمای دینی صاحبان شایسته دانش دینی بوده اند اکنون نیز چنین انتظاری از حوزه می رود. این همه، می طلبد تا نسبت به بسترهای فعالیت حوزویان همت بیشتر شود.

#### ۲. تربیت عناصری صالح و با تقوی

از روحانیون و حوزویان، روحانیت و معنویت، اخلاق و مردم داری انتظار می رود. از دیرباز حوزه های علمیه مرکز تربیت عناصر با تقوی و قدیس بوده است. رمز نفوذ و تأثیر علما و دانشوران دینی در همیشه تاریخ همین صلاحیت تقوایی بوده که مردم در آنان مشاهده می کرده اند. روحانیون نیاز بسیار اصولی به مقبولیت عمومی نزد مردم دارند و این مقبولیت و ارتباط کامل عاطفی زمانی پدید می آید که اخلاص، ادب، متانت، و تقوی در رفتار گفتار و حالات حوزویان موج زند. حوزویان هر چند از جهت علمی و فنون تبلیغی قوی باشند اما تا نزد مردم مقبولیت لازم را نداشته باشند نمی توانند تأثیری بر جامعه و مخاطبان خود بگذرانند. از این رو شایسته است برنامه ریزان حوزه، همت خود را مصروف گسترش معنویت اندیشی کنند تا حوزه همانند گذشته، از افراد پارسا و خلیق بهره مند باشد.

#### ۳. انجام شایسته و بایسته وظیفه تبلیغ

تمام تشکیلات علمی، تحصیلی و هزینه های مالی حوزه برای تربیت دانشورانی است که از دانش دینی بهره مند باشند و در عرصه معنویت و خودسازی سرآمد. تا پس از آن به عنوان راهنمایان و ارشادگران عالم و با تقوی به ابلاغ معارف الهی و احکام دینی بپردازند. اگر حوزه و یا برخی از حوزویان در این وظیفه اصلی کوتاهی کنند، یقیناً مسؤلیت شرعی و صنفی بزرگی را نادیده گرفته و باید در برابر خدا و خلق او پاسخگو باشند. مشروعیت حوزه های علمیه و همه مصارف و هزینه ها و تلاشها برای تبلیغ درست دین است اگر این هدف اصلی نادیده گرفته شود و از آن غفلت گردد، در اصل مشروعیت حوزه و حوزویان جای درنگ است. بنابراین از حوزه های علمیه انتظار می رود که به صورت جدی و کارآمد و با توجه به نیاز و شرایط عصر کنونی به انجام وظیفه اصولی خود بپردازند و مردم را در هر کجا که هستند از علوم و معارف دینی آگاه سازند. و نیز بر برنامه ریزان است تا انسجام و سازماندهی و برنامه ریزی مدیرانه ای نسبت به وضعیت

تبلیغ در حوزه انجام دهند و در بسامان کردن امور تبلیغ، همت کنند.

#### ۴. دفاع همه جانبه از کیان دین

بر حوزه های علمیه است که به استقبال شبهه ها بروند. نقطه ضعف های تفکر دینی و برداشت های از دین را بشناسند، ایرادها، تردیدها، نقدها و کاستیها را به درستی باز شناسند و بررسی کنند و پاسخ قانع کننده و منصفانه ای بدهند. به جای غفلت، بی اعتنایی و یا تکفیر و تفسیق از هر گونه انتقاد، خرده گیری استقبال کنند و در ضمن پاسخگویی، از حقایق محکم و حکیمانه دین دفاع نمایند. از اظهار نظرهای مخالف و شبهه های مطرح نهراسند و مانند دانشوران بزرگ گذشته شبهه های نو ظهور را توضیح داده و حقانیت و درستی احکام دینی را اثبات نمایند.

اکنون یا حضور حوزویان نباید بررسی از دین بی پاسخ بماند. بلکه دانشوران دینی با انصاف و ادب، هر انتقاد یا شبهه ای را حتی از کینه ورزان و دشمنان بشنوند و پاسخ مناسب را ارائه نمایند تا وجدان بیدار و افکار منصفانه به درستی و حقانیت دین الهی گواهی دهند و پذیرا باشند امید است مدیران حوزه برنامه هایی را تدارک کنند تا طلاب ضمن فراگیری دروس رسمی، در حوزه معرفت دینی و کلام جدید و... نیز امکان تحصیل داشته باشند.

#### ○ [...]

توقع منطقی از تشکیلات حوزه در راستای فلسفه های وجودی حوزه است. حوزه اصولاً برای این بوجود آمده تا با تعلیم و تربیت افراد، پاسخگوی نیازهای مختلف دینی مسلمانان و جوامع اسلامی باشد. بنابراین انتظار از حوزه را شاید بتوان این گونه بیان داشت:

#### الف: در بعد آموزشی

۱. برنامه ریزی صحیح آموزشی: در عصر حاضر یک فرد نمی تواند به تمام سوالات پاسخگو باشد، لذا لازم است بعد از یک دوره آموزشی مقدماتی افراد به سمت تخصص های مختلف - با ملاحظه علایق و استعداد آنها - رهنمون شوند. تخصص ها را نیز با اندکی تسامح می توان چنین برشمرد:

● **مشروعیت**  
حوزه های علمیه و همه مصارف و هزینه ها و تلاشها برای تبلیغ درست دین است اگر این هدف اصلی نادیده گرفته شود و از آن غفلت گردد، در اصل مشروعیت حوزه و حوزویان جای درنگ است. بنابراین از حوزه های علمیه انتظار می رود که به صورت جدی و کارآمد و با توجه به نیاز و شرایط عصر کنونی به انجام وظیفه اصولی خود بپردازند و مردم را در هر کجا که هستند از علوم و معارف دینی آگاه سازند. و نیز بر برنامه ریزان است تا انسجام و سازماندهی و برنامه ریزی مدیرانه ای نسبت به وضعیت حوزه و حوزویان جای درنگ است. بنابراین از حوزه های علمیه انتظار می رود که به صورت جدی و کارآمد و با توجه به نیاز و شرایط عصر کنونی به انجام وظیفه اصولی خود بپردازند و مردم را در هر کجا که هستند از علوم و معارف دینی آگاه سازند. و نیز بر برنامه ریزی مدیرانه ای نسبت به وضعیت

موجود، متشکل از مسؤولان و برنامه ریزان، اساتید بزرگوار و طلاب علوم دینی.

### الف: ۱- انتظار از برنامه ریزان و مسؤولان:

۱. تجدید نظر در کتابهای درسی و آموزشی ساختن آنها.
۲. چاپ متناسب و خوب کتابهای درسی و در اختیار طلاب قرار دادن.
۳. در نظر گرفتن کیفیت پیشرفت و برنامه های علمی طلاب.
۴. توجه به مسایل اخلاقی و سلوکی طلاب.
۵. توجه به وضع معیشتی طلاب.
۶. محدود کردن تعداد (پذیرش حساب شده) افزایش کیفیت.
۷. توجه به کلام جدید و علوم انسانی در مضامین درسی حوزه.

### ب: ۲. انتظار از اساتید:

۱. همگامی با جریان پیشرفت وسایل و مسایل آموزشی (بیان خوب، تحلیل خوب، آموزشی کردن روش درس و استفاده از روان شناسی و دیگر علوم انسانی در آموزش).
۲. برقراری رابطه ای متناسب آموزشی، شناخت استعدادهای برتر و ترویج سنتهای بارور کهن حوزه: (اعطای اجازه اجتهاد، روایت و...)
۳. وقت کافی گذاشتن برای کار تدریس و جدی گرفتن وقت طلاب، (منظم حضور یافتن، سروقت تمام کردن).

### ج: ۳. انتظار از طلاب گرامی:

۱. بسنده نکردن به برنامه های حوزه، بخصوص در زمینه علوم قرآنی.
۲. توجه جدی به علوم انسانی (روان شناسی، جامعه شناسی، انسان شناسی، اقتصاد و سیاست و...).
۳. حفظ قداست حوزه و روحانیت.
۴. دوری از تجملات.
۵. رابطه صحیح با مردم.
۶. آشنایی با جریانهای سیاسی جهانی و منطقه ای.
۷. تلاش مدلوم و دوری از کسالت.

\*\*\*

۱- ۱. تربیت معلم و استادی برای پایه ها و سطوح مختلف حوزه.

معمول در حوزه این بوده و هست که افراد پایه بالاتر، مسؤولیت تدریس رتبه های بعد را به عهده دارند. اما معلمی و استادی فقط آموزش و تدریس یک کتاب و یا بخشی از آن نیست. معلمی یک فن است و شیوه خاص خود را دارد. شیوه تدریس و برخورد با متعلمان و...  
۱- ۲. تربیت مبلغ:

گرچه تبلیغ مسایل دینی و رواج آن در جامعه به عنوان هدف اصلی حوزه متبلور شده است اما متأسفانه حوزه و تشکیلات آن به آموزش و تربیت مبلغ شایسته نپرداخته است.

۱- ۳. تربیت متخصص در علوم انسانی با گرایش اسلامی:

به جای جلوگیری غیر منطقی از ورود جوانان به دانشگاه، حوزه باید افراد مستعدی را که می توانند در رشته های مختلف دانشگاه در علوم انسانی تحصیل کنند شناسایی نموده و به مراکز آموزشی دانشگاهی معرفی نماید.

### ب: بعد اداری - مالی و سازمانی حوزه:

یکی از عوامل شکل دهنده شخصیت یک متعلم و یک طلبه همین برخوردهای روزمره است. متأسفانه کیفیت برخورد با حوزویان - بخصوص در حوزه علمیه مشهد - به نوعی لرباب و رعیتی است - برخورد با یک طلبه و حتی یک روحانی در بعد مالی و تأمین مالی برخورد فقیرانه و یک نیازمند است. از این رو این خطر وجود دارد که با برخوردهایی که شخصیت و عزتمندی طلاب را زیر سؤال می برد، نوعی خود باختگی در افراد ایجاد شود و آن روحیه بلندمرتبه مناعت و عزت طلبی آسیب پذیر شود. سؤال این است که واقعا چرا همین حقوق اندک حوزویان چنین پرداخت می شود؟ واریز به حساب بانکی افراد واقعا چه مشکلی دارد؟ آیا پرداخت به شکل جاری توانسته است مشکلات مورد نظر را برطرف کند؟ به هر روی نیروهایی که در راستای حوزه کار می کنند باید از هر حیث شایسته باشند.

\*\*\*

○ [-]

احتمالا منظور از حوزه واقعیتی است بیرونی و

● حوزه باید سعی کند، اطلاع و آموخته هایش به روز باشد. و کتابهای درسی را همپای زمان تغییر دهد و این تغییر به گونه ای باشد که موقع آموزش، یک طلبه با جدیدترین مسایل اجتماعی آشنا شود در نتیجه یک طلبه همگام با آموزش تئوریک، اثرات کاربردی دانش و آموخته هایش را لمس می کند. این می تواند انگیزه تحصیل و تحقیق را افزایش دهد.

● در فرایند تغییر لازم است از جدیدترین ابزارها و روشها استفاده شود؛ یعنی سعی شود که علوم حوزوی همانند آموزشش همراه با اصلاح و تکمیل باشد. متأسفانه، تحول پذیری حوزه در جهت تکامل بسیار کند و نامرئی است. اکثر مثالها با واقعیتهای اجتماعی همخوانی ندارد.

### ○ [...]

- شناخت نیازهای تبلیغی و دینی جامعه به گونه واقعی و صحیح و اعلام آن به حوزویان.

- فراهم ساختن بستر مناسب جهت تربیت و بالندگی و پرورش نیروهایی که نیازهای فوق را برآورده سازند.

- سازماندهی و هدایت استعدادها و توان‌های حوزویان و جهت دهی مناسب برای به دست آمدن نتایج بایسته با ایجاد مراکز مشاوره و برگزاری کنفرانس‌ها و نشست‌های مربوطه.

- شناسایی استعدادها و قابلیت‌های مناسب جهت فعالیتهای گوناگونی که در ارتباط با وظایف حوزویان مطرح است.

بی‌گمان تحقق انتظارات یاد شده نیازمند همه پشتیبانی‌های علمی، مدیریتی و مالی خواهد بود.

\*\*\*

### ○ [...]

دگرگونی‌های بی‌شماری که طی چند دهه اخیر بر حوزه‌های علمی عارض شده است، حوزویان را مثل خود حوزه‌ها دستخوش دگرگونی کرده است. مقاومت‌هایی که در شکل سنتی در بستر حوزه ظهور نمود پیدامی‌کند ناتوانسته و بصورت شفاهی و دهان به دهان انتقال می‌یابد و بسیاری از عناصر حوزوی که در جریان این رویدادها نیستند از معرکه بدور مانده و به ذهنیات پیشین خود را دلخوش نگاه می‌دارند و از ناسازگاری جامعه با این ذهنیات گله‌مند هستند و تمنا می‌کنند هم با نقش آفرینی‌های خود در ساخت و ساز آینده دل رامشغول کرده و از وضعیت موجود و تناسب گذشته، حال و آینده حوزه مهجور مانده‌اند چقدر خوب بود همه ما آگاهانه تحولات و چالش‌های پیش آمده را به مدقه می‌نشستیم و در حداکاهی و اراده خود در چگونگی شکل‌پذیری آینده حوزه دخالت می‌کردیم و درسهایی را که در مدار زمان به صورت تجربی آموخته‌ایم ثبت و ضبط می‌نمودیم و برای آیندگان به ارمغان می‌گذاشتیم و چنین نمی‌شد که نسل‌های بعد در فهم مقاصد و آرمان‌های ما دستخوش اختلاف رأی شده و بر حسب گمان خود با اهداف ما رابطه برکنار می‌نمودند. و چنین نمی‌شد که آنها از راه رفتار شناسی‌ها به داورم جنبش‌بند، بلکه اندیشه‌های روشن‌ماییش از رفتار ما از حرکتها و جریانهای علمی، فرهنگی، سیاسی، هنری و فلسفی ماحکایت داشت.

### ○ [...]

- مدیریت حوزه توسط شورایی انجام گیرد که اعضاءشورا همه یا نصف آنها یا رأی طلاب انتخاب شوند. به عبارت دیگر دست کم نصف اعضای شورا، نمایندگان منتخب طلاب باشند. این امر بسیاری از معایب موجود را اصلاح می‌کند.

کرسی مخصوصی در محل شورا وجود داشته باشد که هفته‌ای یک بار (در ساعت معین) هر کسی هر انتقادی به نظام مدیریتی حوزه دارد بدون هیچ گونه منعی بیان کند.

- تحقیقات میدانی فعال گردد و وضعیت حوزه از وجوه مختلف معلوم گردد تا فرایند برنامه‌ریزی بهتر و مناسب‌تر انجام شود.

- وضعیت مسکن طلاب جوان و درس خوان سامان یابد.

- تأسیس نهاد مشاوره بایبیره‌گیری از اساتید برجسته.

\*\*\*

### ○ [...]

من مدتی است که دیگر هیچ‌انتظاری از حوزه ندارم و انصاف این است که مخاطب شخصی نیست تا از او انتظار داشته باشیم. در خلأ که نمی‌شود انتظاری داشت. در عین حال اگر انتظارات گذشته را بخواهیم تکرار کنیم: این است که شرح وظایف مدیریت حوزه مشخص شود و ثانیاً در اداره امور بر کارشناسی شدن امور توجه بشود. جا دارد یک پیشنهاد هم بی‌گرفته شود که اشتغال حوزویان و کارکرد آتی آن، چیزی که آموخته‌اند مورد مطالعه و بررسی قرار گیرد.

اگر بناست که بعد از تحصیل به سخنرانی و تبلیغ بپردازند که هیچ از مبادی و لوازم سخنرانی آشنا نیستند. تاریخ و حدیث و معارف که تحصیل نکرده‌اند و فقط فقه و اصول آموخته‌اند. باین اوصافی که ذکر شد، در سخنرانی چه می‌تواند ارائه کند؟

در مسایل آموزشی باید براساس اقتضائات و نتایج تحصیل برنامه‌ریزی شود به عنوان مثال کسی که می‌خواهد خطیب شود نیاز نیست ۲۰ سال در درس خارج فقه و اصول بنشیند و همین طور رشته‌های دیگر.

به تحقیق و پژوهش چه توجهی شده است؟ اینکه حوزه باید به شبهاتی پاسخ‌گو باشد با چه زمینه و با چه پیش‌درآمدی؟ بدون هیچ برنامه‌ای که نمی‌توان چنین

● من مدتی است که دیگر هیچ‌انتظاری از حوزه ندارم و انصاف این است که مخاطب شخصی نیست تا از او انتظار داشته باشیم. در خلأ که نمی‌شود انتظاری داشت. در عین حال اگر انتظارات گذشته را بخواهیم تکرار کنیم: این است که شرح وظایف مدیریت حوزه مشخص شود و ثانیاً در اداره امور بر کارشناسی شدن امور توجه بشود.



انتظاری داشت.

مسأله اخلاقی نیز در حوزه از این زلویه قابل طرح است که عرف جامعه و رفتار اجتماعی چه اقتضای دارد؟ و حضور طلبه در جامعه به چه شکل و چگونه؟

نباید حوزه توجه داشته باشد که کسی لباس بپوشد که شرایط آن را دارد و زین حوزه شود؟

حوزه باید معاونت‌های مشخص و متخصص داشته باشد. کسی در صدر آموزش قرار بگیرد که کارشناس این کار باشد و شیوه‌های آموزشی را دیده باشد در امر آموزش مسلط و نیز صاحب نظر باشد.

دبیر حوزه به تنهایی که نمی‌تواند کار تمام معاونت‌ها را انجام بدهد. در حالیکه هر کدام از معاونت‌ها می‌بایست با تیمی مجرب و کارکننده به کار تمام وقت همت گمارند.

\*\*\*

### ○ [...]

۱. در درجه نخست، بالندگی حوزه مورد توقع است. حوزه باید بستری باشد برای رشد و شکوفایی استعدادها و نه جایگاهی برای ماندن. باید رودخانه جاذبی شد که شیفندگان آگاهی و حقیقت را با خود به سرچشمه مقصود برساند.

۲. اصلاح متون درسی یکی از اموری است که همیشه ضرورتش احساس می‌شده است. یکی از موانع عمده در مسیر رشد سریع و هماهنگ با زمان، متون درسی نامناسب است.

۳. انتظار سوم، جهت دادن به حرکت پژوهشی و تحقیقی حوزه‌ی جوانان است. امروزه خلأهای فکری بی‌شماری وجود دارد و پرسش‌های زیادی در حوزه‌های گوناگون معرفت دینی مطرح است که همچنان مغفول عنه قرار گرفته است. باید سعی شود که با برنامه ریزی دقیق، حوزه‌ی جوانان در جریان افکار و اندیشه‌های مطروحه در صحنه فرهنگی جامعه قرار گیرند.

۴. تلاش در جهت رفع نیازمندی‌های مادی حوزه‌ی جوانان نیز یک امر ضروری است. گرچه یک طلبه از آغاز انتخاب راه طلبگی باید از خیلی از مسایل چشم‌پوشد و توقعاتش را نسبت به جنبه‌های مادی زندگی به حداقل برساند اما ضرورتها و نیازمندی‌های اولیه چیزی نیست که بتوان آن را نادیده گرفت. زیرا نادیده گرفتنش باعث اضطراب و پریزانی افکار و در نتیجه از بین رفتن زمینه درسی و تحقیق می‌شود.

\*\*\*

### ○ [...]

انتظار ما از حوزه این است که آموزه‌های دینی و قوانین و دستورات اسلامی را همراه با فراگیری اصول استنباط احکام و ابزارهای شناخت مسایل اسلامی، به طلاب علوم دینی آموزش دهد این وظیفه را حوزه در طول تاریخ حیاتش به دوش داشته و انجام داده است.

حوزه باید سعی کند، اطلاع و آموزه‌هایش به روز باشد. و کتابهای درسی را همپای زمان تغییر دهد و این تغییر به گونه‌ای باشد که موقع آموزش، یک طلبه با جدیدترین مسایل اجتماعی آشنا شود در نتیجه یک طلبه همگام با آموزش تئوریک، اثرات کاربردی دانش و آموخته‌هایش را لمس می‌کند. این می‌تواند انگیزه تحصیل و تحقیق را افزایش دهد.

در فرایند تغییر لازم است از جدیدترین ابزارها و روش‌ها استفاده شود؛ یعنی سعی شود که علوم حوزوی همانند آموزشش همراه با اصلاح و تکمیل باشد. متأسفانه، تحول پذیری حوزه در جهت تکامل بسیار کند و نامرئی است. اکثر مثالها با واقعیت‌های اجتماعی همخوانی ندارد. مثلاً هنوز اکثر مثالها و متون درسی از عبد و امه است و مبادله و معامله آنها در شرایط و موقعیت‌های مختلف. در حالی که ماهران مشکل عینی داریم که باید به آنها پاسخ داده شود. و یا لااقل اگر حوزه نمی‌خواهد پاسخ بگوید، باید از آنها اطلاع داشته باشد.

\*\*\*

### ○ [...]

از آنجا که حوزه حیثیاتی مختلف و متنوع دارد، انتظار از آن نیز از زوایای مختلف قابل تقسیم است. در اینجا انتظارات خود را، فهرست وار بیان می‌کنم:

#### الف: حوزه به عنوان نهاد آموزشی:

۱. تعیین سیاست‌ها و خط مشی مشخص.
۲. مراعات استانداردهای موجود در سیستم‌های پیشرفته آموزشی.
۳. قابلیت انعطاف در قبال تحولات و دگرگونی‌ها و نیازهای نو شونده.
۴. تحول و تغییر در کتب درسی.
۵. تعامل و تعاطی با سایر مراکز آموزشی و استفاده از تجارب آنان.

● یکی از عوامل شکل دهنده شخصیت یک متعلم و یک طلبه همین برخورد‌های روزمره است. متأسفانه کیفیت برخورد با حوزویان - بخصوص در حوزه علمیه مشهد - به نوعی ارباب و رعیتی است - برخورد با یک طلبه و حتی یک روحانی در بعد مالی و تأمین مالی برخورد فقیرانه و یک نیازمند است. از این رو، این خطر وجود دارد که بابرخوردهایی که شخصیت و عزتمندی طلاب را زیر سؤال می‌برد، نوعی خود باختگی در افراد ایجاد شود و آن روحیه بلندمرتبه مناعت و عزت طلبی آسیب پذیر شود.

چه حد است و انتظارات صواب و بجا از انتظارات ناصواب و نابخامشخص گردد.

در ارائه تصویری درست از حوزه، حوزه می‌تواند انتظارات جامعه را همسان و همخوان با آنچه باید حوزه به سوی آن گام بردارد، بنماید.

پرواضح است که در گام بعدی این حوزه است که باید به عواملی بیاورد که به برآورد ساختن انتظارات آن هم به ترتیب اولویت کمک می‌نمایند.

حوزه درمی‌یابد؛ عواملی که در شورای برنامه ریزی گردمی‌آیند لایه و ناگزیر باید عالم به اصول برنامه‌ریزی و در حدی مجرب و گزیده گزینش شوند.

حوزه در می‌یابد؛ که به صورت انقطاع از بدنه نمی‌شود برنامه‌هایی را صورت بست که بدنه حوزه عامل به آن برنامه‌ها باشد. وانگهی به سراغ حوزویان خواهد آمد و در فرصتهایی مناسب و مجالهای متعدد از فکرو اندیشه و توان تمام کسانی که سرنوشت خویش را به سرنوشت این نهاد گره زده‌اند استفاده خواهد کرد.

بی‌شک حوزه‌ای که به انتظارات (انتظارات جامعه و در طول آن انتظارات حوزویان) نظردارد، افاق آینده‌اش روشن و راه‌امیدواری گشوده است و غیر از این مباد. همین.

۶. توجه ویژه به مسأله تخصصی شدن دروس.

۷. سامان دهی سیستم مدارک.

#### ب: نهاد تبلیغی:

۱. اهتمام شایسته و در خور به امر تبلیغ به عنوان اصلی‌ترین خروجی سازمان حوزه.

۲. تمهیدات لازم آموزشی و پژوهشی برای کار آمدی تبلیغ.

۳. نگرش جامع به مقوله ارتباطات.

۴. اصلاح سیستم فعلی تبلیغ و استفاده از روش‌های جدید.

#### ج: نهاد مالی (تأمین کننده نسبی معیشت طلاب)

۱. توجه به واقعیت‌های اقتصادی و معیشتی طلاب.

۲. ایجاد پشتوانه ثابت، جهت مقابله با نوسانات درآمدهای حوزه.

۳. ایجاد و گسترش تعاونی مصرف و مسکن.

۴. دگرگونی در نظام پرداخت شهریه و بهینه سازی آن.

\*\*\*

#### ○ [...] ○

انتظار حوزویان از حوزه با یک پیش فرض قابل تشخیص و در نهایت قابل پیگیری برای حصول نتیجه است. و آن اینکه حوزه بداند که از او چه انتظاری می‌رود و به عبارت دیگر او به عنوان یک فرد حوزوی در مقابل چه کسانی و به چه مسائلی لازم است که پاسخگو باشد، در نتیجه بیندمتولیان امور حوزوی چگونه‌مشی کنند تا شرایط مساعد برای او فراهم گردد.

پس انتظار حوزویان از حوزه مشروط به شفاف بودن انتظارات جامعه و افراد آن اعم از مرد و زن، پیر و جوان از حوزه و حوزویان است؛ حوزه‌ای که در ارتباط با جامعه و افراد آن شکل گرفته و فرد حوزوی با عنایت به پایانه تحصیل خود که به سوی قومش رجعت می‌کند. قدم در محیط حوزه گذاشته است.

بی‌گمان اولین انتظار در اینچنین فرصتی این خواهد بود که حوزه تمامی انتظارات جامعه و افراد را از خویش بشناسد و غایت کار خود و حوزه عمل خویش را آشکار و مشخص نماید، در نتیجه در می‌یابد که میزان انتظارات تا

● مدیریت حوزه  
توسط شورایی انجام  
گیرد که اعضاءشورا  
همه یا نصف آنها با  
رأی طلاب انتخاب  
شوند. به عبارت دیگر  
دست کم نصف  
اعضای شورا،  
نمایندگان منتخب  
طلاب باشند. این امر  
بسیاری از  
معایب موجود را  
اصلاح می‌کند.

